شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

اشنبه

سال هفدهم
۶ اردیبهشت ۱۴۰۵
۸ ذی‌القعده ۱۴۴۷
شماره ۴۷۴۴

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز شهرداری مشهد
مدیرمسئول سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵
نمابر ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر	۱۱:۲۹:۲۰	غروب آفتاب	۱۸:۱۴:۳۸	اذان مغرب	۱۸:۳۳:۵۳
نیمه شب شرعی	۲۲:۴۳:۰۴	اذان صبح فردا	۰۳:۱۱:۳۰	طلوع آفتاب فردا	۰۴:۴۴:۰۳

پرچم ایران امام رضا(ع)

پرچم داران بندرعباسی

آنچه می خوانید روایتی است درباره پویش مردمی «پرچم زمین نمی ماند» که در میانه های جنگ تحمیلی سوم به راه افتاد و تا همین لحظه برقرار است.

ماشین پلاک ۸۴، سی متر پایین تر ایستاد و کل خانواده راه افتادند طرف پرچم. آفتاب کم‌کم داشت درمی‌آمد و جمع پای پرچم [که تعدادشان برای آن موقع صبح زیادی عجیب بود] هر کدام داشتند یکی از ماجراهای این روزها را مرور می‌کردند. پدر خانواده گفت: حالا ماجرای ما رو بشنوین. ما از بندرعباس اومدیم. الان هم از حرم می رفتیم خانه یکی از اقوام. مسیرمان اصلا از این طرف نبود. ولی بچه ها گفتند که از احمدآباد بیاییم تا پرچم رو هم ببینن. ما هم برای همین پرچم اینجاییم!

همسایه همزبان

زیارت به نیابت از شهدا

عکس: شیرین قائمی/شهرآرا

عاطفه جعفری
نویسنده و شاعر افغانستانی

مثل بیشتر شب ها راهی چهارراه عامل شدم که در تجمعات شرکت کنم. بچه را گذاشتم توی کالسکه و از بولوار مجد به چهارراه میدان بار می رفتم که چشمم افتاد به گنبد نورانی اش! خط ۱۲ هنوز در مسیر بود، امانیت کردم خودم را پیاده به حرم برسانم و این طور میدان داری و خیابان داری کنم. دخترکم از کنار هر تعداد انسان که عبور می‌کرد شعار مرگ بر آمریکا سرمی داد. کلاهش با طرح پرچم نظر خیلی ها را جلب کرده بود و پرچم کوچکش روی کالسکه خودنمایی می‌کرد. از هرچهارراه و میدان که عبور می‌کردم می‌گفت: به به می خوام. راست می‌گفت انگیزه می خواست برای این همراهی. من و تمام مردم در خیابان هم انگیزه می خواستیم. شنیده بودم اینترنشنال گفته بود شبی دومیلیون تومان می‌گیرند. با خودم خندیدم چقدر بلاهت آخر؟ دومیلیون تومان؟ چه کسی برای شبی دومیلیون هرشب این طور به خیابان می آید؟ نمی دانم لابد خودشان برای پول همه کار می‌کنند. انگیزه ما برای این کار بزرگ تر از این هاست. چه انگیزه ای بالاتر از خونخواهی رهبر و پدر عزیزمان؟ چه انگیزه ای به اندازه خونخواهی کودکان مظلوم شجره طیبه. اصلا چه انگیزه ای در جایگاه وطن؟ به میدان شهدا و مجسمه های سلام رسیدم، رو کردم به گنبد سلام دادم به آقا و گفتم اصلا امشب انگیزه من شمایید وگرنه با این همه خستگی ناشی از کار خانه و بیرون هیچ چیز نمی توانست باعث خروجم از منزل شود. راهی شدم سمت حرم و همین طور که محضر امام رئوفمان صلوات خاصه قرائت می‌کردم راهی بست شیخ طوسی شدم و گفتم: این زیارت تقدیم به پدر شهیدمان، به او که سالیان طولانی نگذاشت معنای جنگ و ناامنی را بفهمیم. این زیارت تقدیم به پسربچه های مظلوم میناب که نامی از آن ها نیست، که تکه های اعضای بدنشان هنوز زیرآوار است و به دل سوخته مادرشان. به دخترکی که پدرومادرش در عراق نام او را میناب گذاشته اند. وارد حرم شدم و زیارت را تقدیم کردم به رهبر عزیزمان که هم در سوگ خانواده اش است و هم خود جانباز جنگ تحمیلی سوم است و این غزل را کنار چایخانه کبوتری کردم در صحن غدیر:

یاعلی بن موسی الرضا
مرا بگیر از خودم که قدری میان صحنت قرار گیرم
مرا بگیر ای قرار عالم من از خودم سال هاست سیرم
مرا به مهمان پذیر باران دوباره در صحن خود فراخوان!
پناه من! از شما چه پنهان که دست خالی تر از کویرم
در این شبستان سرد دنیا که هست انسان هماره تنها
کشانده نوری مرا به اینجا بدون مهر تو زمهریرم
در این حرم معنی تعالی نبوده غیراز شکسته بالی
من آن دلم که در این حوالی شکسته ام تا که پر بگیرم!
دوباره گفتم: غم دلم را به او بگویم. عوالمم را!
نگفته حل کرد مشکلم را ضریح فهمید گوشه گیرم
خوشا امیدآفریدن تو! قرار آخر، رسیدن تو!
به شوق یک بار دیدن تو! سه بار من حاضرم بمیرم

کوچه

عقلانیت ایمانی و خیابان داری رضوی

غلامرضا نبی اسدی
روزنامه نگار

امروز را باید به قرائت رضوی خواند. راه رستگاری همین است. هم فرد، سرفراز می ماند و هم فراز جایگاه اهتزاز پرچمی می شود که با رنگ سبز و سفید و سرخ، معرفت دینی و صلح طلبی انسانی و غیرت عاشورایی ملی را نشانه گذاری می‌کند. با (ا...) در وسط که نماد ایمان موحدانه است. ما با ایمان در میدان و خیابان و اذهان معجزه می خوانیم. اعجاز، فرزند معرفت و دانایی است. ما خوب می دانیم در هنگامه های گره خورده تاریخ، آنچه قفل ها را می‌گشاید نه هیجان بی مهار که عقلانیت ایمانی است؛ همان نسبتی که میان دل مؤمن و تدبیر عاقل برقرار می شود و راه را از بیراهه بازمی شناسد. بی اعتنایی به این ودیعه الهی و بی محابا به میدان رفتن، نه تنها ضامن پیروزی نیست که چه بسا شکست را صورت بندی کند، شکستی که در آن، هزینه از جیب ما می رود و سود در حساب دشمن می نشیند. این روایت، متأسفانه در تجربه های ما کم تکرار نشده است، از فرسودن سرمایه های انسانی تا هدررفت فرصت های اجتماعی. آنجاکه شور، جای شعور را گرفت و صدا، برمعنا پیشی گرفت. می دانیم کنش جمعی وقتی به بار می نشیند که «چارچوب بندی معنا» با «عقلانیت مکتبی» هم نوا باشد. پیام، اگر از فیلتر خرد عبور نکند، در میدان ادراک عمومی یا تحریف می شود یا مصادره. اینجاست که کلام نورانی امام کرامت و معرفت، حضرت رضا(ع)، راهنما می شود: «دوست هر کس عقل او و دشمنش جهل اوست.» نسبت ما با این دو، نسبت پیروزی و شکست است.

با دوست، یعنی عقل که به میدان برویم، بازگشتمان با دست پر است و اگر یقه مان به دست دشمن، یعنی جهل بیفتد، هم سرافکندگی نصیب می بریم و هم ناکامی. امروز که ایرانِ امام رضا(ع) درگیر جنگی ترکیبی است جنگی از جنس روایت ها، ادراک ها و فشارهای هم زمان بیش از همیشه نیازمند تنظیم رفتار، گفتار و حتی پندار خویش بر مدار عقلانیت رضوی هستیم. در چنین وضعی، خیابان صرفا جغرافیا نیست؛ «متن» است، «رسانه» است، و هر کنش ما «پیام»ی است که خوانده و تفسیر می شود. اگر این پیام از هندسه ایمانی تهی باشد، به سادگی در قاب های رقیب بازنویسی می شود و به سود او معنا می‌گیرد. از این منظر، حضور برای «حق ایران» است، نه برای ساختن «حق شخصی» در هیاهوی مطالبه‌گری بی مرز. امام رضا(ع) ما را به کم شماریِ خیرِ خویش فرا می خوانند؛ نه به فهرست سازی بی پایان مطالبات که راه را بر دیگران تنگ کند و میدان را از هم افزایی به تزاحم بکشاند. کنش مؤمنانه، کنشی است که به ظرفیت ها انرژی می دهد، نه آنکه آن ها را می سوزاند؛ به دیپلماسی توان می بخشد، نه آنکه آن را در شبکه ای از مصائب گرفتار کند. خیابان ما باید معادلات دشمن را برهم بزند، نه آنکه خوراک روایت او شود. این همان نقطه ای است که «اخلاق کنش» به «راهبرد ارتباطی» گره می خورد. هر شعار، هر تصویر، هر واکنش باید در چارچوبی تعریف شود که ارکان ایمان را در خود دارد: توکل، رضا، تسلیم و تفویض که امام رضا(ع) پیش پای ما می‌گذارند. دعوت به «کنش سنجیده» است، کنشی که به جای شتاب، عمق دارد و به جای تک صدایی، هم آوایی می آفریند. چنین کنشی، میدان را برای خطای راهبردی تنگ می‌کند و امکان بهره برداری دشمن را به حداقل می رساند. تجربه انقلاب تا امروز نیز گواه همین معناست: هرجا عقلانیت ایمانی راهبر بوده، گره ها گشوده شده اند و هرجا از آن فاصله گرفته ایم، هزینه ها فزونی یافته است. پس اگر می خواهیم سربلند بمانیم، باید دست عقل را باز بگذاریم تا تدبیر کند و امور را به سامان آورد. باید از خود آغاز کنیم و از درون، نسبتمان را با دوست و دشمن حقیقی، عقل و جهل، تصحیح کنیم. با ایمان به این حقیقت آزموده، بی ادعا و با هزار دعا، پای کار ایران و انقلاب بمانیم، نه برای افزودن بر صداها که برای افزودن بر معنا. این گونه است که «عقلانیت ایمانی» بن بست ها را می شکند و راه خود را به سوی فردا می‌گشاید.

بی‌درنگ‌های روزهای جنگ

سس و دیگر چی؟

امید مهدی نژاد
شاعر و نویسنده

ترور ناموفق پسر شاه که به نظر می رسید با سس خرسی انجام شده بود، در حقیقت با سس خرسی انجام نشده بود. سس اگرچه کچاپ بود، اما خرسی نبود. این حقیقت در کنار حقایقی دیگر می تواند پرده از روی ابهامات بسیاری کنار بزند، اما به گفته رئیس جمهور ناجور آمریکا، خواهیم دید چه خواهد شد.

اینکه طرف داران آقای پهلوی گمان کنند ایشان برای مسائل و معضلات ایران یک راه حل است چیز عجیبی نیست. این واقعیت است که آدم ها در اثر تحمل فشارهای اقتصادی یا اجتماعی در پی گریزگاهی هرچند موهوم باشند، لااقل از منظر جامعه شناسی قابل توجیه است. چیزی که قابل توجیه نیست این است که ایشان خودشان هم دچار چنین توهمی شده باشند و شوربختانه گویا شده اند.

اما آقای پهلوی نه تنها راه حل، راه نجات، آلترناتیو یا چیزهای این شکلی نیستند، بلکه خودشان بخش مهمی از مشکل امروز ایران اند. ایران در ماجرای برجام تلاش کرد هرچند به قیمت دادن امتیازاتی بزرگ و واقعی، در جهت رفع تنش با آمریکا گام بردارد. تعهد داد و به تعهداتش عمل کرد، اما دقیقا از همان زمان، پروژه هایی به راهبری اسرائیل کلید خورد که هدفش خنثی کردن این تلاش ها بود. پروژه هایی که می خواستند ایران را به چرخه تنش و تحریم و فرسایش برگردانند. و موفق هم شدند. برجام به گل نشست، تحریم ها تشدید شدند و تنش نهادینه شد. یکی از این پروژه های مخرب، همین پهلویسم بود.

جریان پهلویسم ابزار دستگاه تحریم و ماشین جنگ شد. هم در مشروعیت دادن به تحریم ها و حتی طراحی تحریم ها مشارکت کرد و هم در عادی سازی مداخله نظامی و حتی تهیه فهرست ترور و هردو به این قصد که جوری رنج را به جامعه تحمیل کنند که مردم علیه نظام قیام کنند.

پس پهلوی از مسببان وضع فعلی ماست. حالا سؤال اینجاست که آیا مسبب مشکل می تواند راه حل مشکل باشد؟

و دیگر چی؟

کارتون شهر

مجید ادیبی

رسانه های فارسی زبان آمریکایی صهیونی، در تلاشی معنادار سُس پاشی به شازده پهلوی را به عنوان یک حمله تروریستی معرفی می کنند؛ تلاشی مذبوحانه که مورد تمسخر و مضحکه کاربران شبکه های اجتماعی قرار گرفته است.